

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

شباهنک راد

۱۰/۰۸/۱۷

واقعیت‌ها یا رؤیاها؟

{پیرامون انقلاب چگونه به پیش می‌رود – حمید تقوانی –}

انقلاب، آزادی، دموکراسی، جایگاه چپ و نیروی هدایت‌گر مقوله‌های خود تعریفی نیستند بلکه حامل تعینات مارکسیست – لینیستی‌اند و از دینامیسم‌ها و کارکردهای سیاسی - اجتماعی معینی پیروی می‌نمایند. این مقوله‌ها تابعی مضامین روشن‌اند و بی تردید بدون برخورداری محتوایی، کاربرد آن‌ها هم به نادرست و انحراف زاست. به عبارتی صحیح‌تر تمایلات و آرزوهای باطنی خود را نمی‌توان بر روی این واژه‌ها سوار نمود و به تهی نمودن آن‌ها گردن نهاد. متأسفانه تحریف واژه‌ها عمومیت پیدا کرده است و من‌حیث‌المجموع به فرهنگ و ادبیات سازمان‌ها و احزاب چپ خارج از کشور تبدیل گشته است و بیش از اندازه این جریانات دارند در جهت بی‌محتوایی آن‌ها گام بر می‌دارند. به دلیل این‌که در داخل نیستند و به دلیل این‌که بیش از اندازه ندانم‌کار و بی‌وظیفه‌اند و بیش از اندازه و به ده‌ها دلیل دیگر دارند از نقش آفرینی خود شانه خالی می‌کنند. می‌گویند توضیح و شرح واقعیات، بر دامنه پیشرفت‌ها خواهد افزود و نارسائی‌ها و معایب را یکی پس از دیگری به کنار خواهد زد؛ می‌گویند نمی‌توان از جایگاه چپ، به تحریف چپ پرداخت و نمی‌توان از موضع کمونیستی به مبالغه‌گویی روی آورد.

مسلم است که تکامل جامعه مسیرها و تعینات خود را می‌طلبد و متدّ رشد و بالندگی، در خلاف تحریف حقایق است و در این میان بر هر انسان آزاده و مدعی برقراری جامعه کمونیستی ست تا - در هر شرایطی - ایرادات و موانع سیاسی - عملی جنبش را گوش‌زد نماید و در جهت بارآوری آن‌ها گام بردارد. این‌روزها بیان و شرح واقعه، به خودی خود به معضل و مشکل اساسی تبدیل شده است. استنباط و تمایلات گروهی دارد به جای روشنگری و پای‌بندی به منافع عمومی می‌نشیند. به راستی که حمید تقوانی را می‌توان از این‌دست افراد به حساب آورد. به دلیل این‌که حقایق جامعه و محتوای واژه‌ها را تحریف می‌کند و جایگاه حزبی را به نادرست تحویل دیگران می‌دهد. وی در سخنرانی خود پیرامون رویدادهای یک‌ساله اخیر در استکلهم می‌گوید:

".... قبل از هر چیز باید شما روندها و جنبش‌های اجتماعی را بشناسید و ببینید جریان و سیر تحولات به کدام طرف می‌رود. تئیر این سخنرانی هست انقلاب چگونه به پیش می‌رود. ممکن است کسی با همین کلمه انقلاب مسأله داشته

خواهد زد و سیاست مشخص خود را بر زمین می‌کوبد. با این اوصاف تعبیر به کار گرفته شده انقلاب از جانب حمید تقوایی نمی‌تواند منطبق با آموزه‌های کمونیستی باشد و در خدمت به روشنگری و توضیح مقوله‌های مارکسیست – لنینیستی نیست. اعتراضات مردمی سال ۸۸ با تمامی ابعاد و کش و قوس‌هایش به آن درجه از رشد خود دست نیافت؛ به دلیل این‌که حامل ایده‌ها و برنامه‌های دگرگونه‌ساز نبود؛ به دلیل این‌که طبقات متفاوت و به ویژه و به ویژه طبقه کارگر را به همراه خود نداشت؛ به دلیل این‌که بر سرشان، ایده‌های صحیح حاکم نبود؛ به دلیل این‌که فاقد هدایت کمونیستی – انقلابی بود.

حمید تقوایی تلاش بسیاری به خرج می‌دهد و همچنین، انقلاب و مضمون آنرا به سطح مبارزات اقتصادی کارگری - اجتماعی تقلیل می‌دهد و در قسمتی دیگر می‌گوید: "... در دانشگاه در خروجی و ورودی زنانه و مردانه است، از این ساعت برادران از این پله‌ها می‌روند بالا و از این ساعت بعدی خواهران می‌آیند پائین ... می‌پرسید مضمون انقلاب چی هست؟ مضمون آن همین است".

"به کارگر حقوق نمیدهند. این استثمار نیست این سرقت در روز روشن است. آقا جان شش ماه کار کردم بناء به قوانین حتی خود سرمایه‌داری دستمزد را بدهید، دستمزد چه شد؟ من ۸ ساعت کار کردم فقط ۴ ساعت آن را سرمایه‌داری به عنوان مزد به من بر میگرداند، باشد تکلیف آنرا بعدا روشن میکنیم اما همان ۴ ساعت چه شد؟ یعنی اگر با فرمولهای اقتصادی بخواهید بیان کنید نرخ استثمار در آن مملکت بینهایت است، مخرج آن صفر است. در روز روشن این کار را میکنند و خواست کارگران هم این است که دستمزدهای عقب افتاده را بدهید. مضمون انقلاب چی هست؟ مضمون آن همین است".

برگردان و ارزیابی حمید تقوایی این است و از همه هم می‌خواهد که چنانچه هر زمان و در هر کشور و یا در هر جامعه ای با نشانه‌های فوق روبرو گردیده‌اند باید و می‌باید آن‌ها را با انقلاب و مضمون انقلاب یکی بدانند و چنانچه در این‌میان کسانی پیدا شوند و در خلاف ارزیابی وی قرار گیرند، بی تردید نام‌شان در ردیف "شکست خوردگان" نوشته خواهد شد!!

بی‌حقوقی دارد در این دنیای نابرابر بیداد می‌کند و همه‌جا سرمایه‌داران با قوانین مصوبه و غیرمصوبه خود شیره جان کارگران را می‌مکند و دستمزدهای آن‌ها را بالا می‌کشند؛ همه‌جا جانین بشریت بر تضیقات و تهدیدهای خود علیه محرومان می‌افزایند و همه‌جا زندگی را بر ملیون‌ها انسان رنج‌دیده تنگ و تنگ‌تر می‌نمایند. در همین بیخ گوش ایران، طالبان و در روز روشن دختران و زنان را به هزار دلیل واهی و ارتجاعی گردن می‌زنند و مورد تعرض وحشیانه خود قرار می‌دهد و زنان و دختران را از کسب و فراگیری آموزش باز می‌دارد؛ در عراق هزاران کارگر فاقد کمترین حقوق اولیه‌اند و سرمایه‌داران و کارفرمایان حقوق‌شان را علناً بالا می‌کشند.

حمید تقوایی! آیا بناء به منطق شما ما مجازیم که اعلام نمائیم در این کشورها هم انقلاب شروع شده است و تأکید نمائیم که "مضمون انقلاب یعنی چی هست؟"، "مضمون آن همین است؟" آیا فکر نمی‌کنید استثمار کارگران و تصویب هزاران قانون دست و پا گیر، مختص نظام سرمایه‌داری ایران نیست و همه‌جا صدای چنین جنایات و غارتگری‌هایی به گوش می‌رسد و سرتاسر دنیا را احاطه نموده است؟ هر جا که استثمار است و هر جا که زنانه و مردانه کرده‌اند و هر جا که حقوق کارگر و غیره را بالا کشیده‌اند را که نمی‌شود با مضمون انقلاب یکی دانست!!؟

بی تردید حمید تقوایی تمایلی ندارد تا پوشه تھی نمودن واژه‌ها و تحریف حقایق را ببندد. به همین دلیل حوزه‌های متفاوتی و از جمله حوزه بررسی نقش چپ و به خصوص حزبش را در همان سخنرانی باز می‌کند تا به نتایج دلخواه خود برسد و در قسمتی دیگر می‌گوید:

"در گفتگویی که امروز با رادیو داشتم شنونده ای میگفت یک انقلاب خودبه خودی در ایران شروع شده و حزب شما هم با وجود اینکه سی سال سابقه فعالیت دارد در این انقلاب حضور ندارد و سؤالش این بود که رابطه شما با این انقلاب چگونه است و چگونه میخواهید در آن دخالت کنید؟

من در جواب گفتم که هیچکدام از این فرضها را قبول ندارم. این انقلاب خود به خودی شروع نشد. سی سال فعالیت حزب ما در زمینه سازی این انقلاب کاملاً نقش داشته است..... اگر حزبی مثل حزب ما نبود و اگر تلویزیونی مثل کانال جدید نبود و اگر آرمان و شعار آزادی برابری را که وسیعاً در جنبش دانشجویی جا باز کرد به میان جامعه نمیبردیم، اگر کمپینی مثل کودکان مقدمند را راه نمی انداختیم و اگر عملاً علیه اعدام رفراندم نمیگردیم، که کانال جدید این کار را کرد، این انقلاب چنین مضمون انسانی و رادیکالی نمیداشت، چنین خواستهای شفافیه علیه اعدام و دیکتاتوری اصل ولایت فقیه مطرح نمی کرد، اینقدر دوام نمی آورد و کلاً این روند را پیدا نمی کرد.

احزاب ارتباطشان با جامعه در دو سطح قابل بررسی است. یکی در سطح اجتماعی و در فضای سیاسی عمومی جامعه، یعنی همانطور که گفتم در سطح کلان، و دیگری در سطح تشکیلاتی و مستقیم. و این دومی بر مبنای اولی فقط معنی میدهد. رابطه حزب و جامعه مکانیکی نیست. اگر هم قابل مقایسه با قوانین فیزیک باشد فیزیک اتمی است، فیزیک - شیمی است و نه مکانیک نیوتونی".

تصورم بر آن است که حزب کمونیست کارگری ایران، کاملاً از دایره فکری یک جریان واقع‌گرا خارج شده است و با عینک دودی - گروهی خود جامعه را می‌بیند. سی سال است که هیچ جریان سازمان یافته و کمونیستی در درون حضور ندارد و کارگران و زحمت‌کشان بدون کمترین پشتیبانی از جانب سازمان‌ها و احزاب مدافع خود به خیابان‌ها سرازیر می‌شوند و با سرمایه‌داران و کارفرمایان و ارگان‌های سرکوبگر نظام درگیر می‌شوند و هزینه می‌دهند؛ سی سال است که رژیم جمهوری اسلامی با زور و سرکوب عریان و خشن جنبش‌های اعتراضی - اجتماعی را به خاک و خون کشاند و هزاران تن را به بهانه‌های کذائی در ملاء عام اعدام نمود و در این میان حمید تقوایی از حضور و هدایت حزبش در چنین لحظاتی خبر می‌دهد و تأکیدش بر آن است که بروز اوضاع کنونی - یعنی وقوع اعتراضات مردمی - ماحصل فعالیت‌های حزبش در سطح جامعه می‌باشد. بر مبنای چنین نگاه و خوش‌باووری‌هایی است که اعلام می‌نماید این جنبش، جنبش آگاهانه است!! بدون این‌که به این موضوع اشاره نماید که جنبش‌های اعتراضی آگاهانه، از همان آغازین حرکت خود، با شعارهای رادیکال به میدان خواهند آمد و سر آن‌ها در دست نیروهای کمونیستی - انقلابی‌ست.

پر واضح است که مضامین این دو جنبش - یعنی جنبش‌های خودبه خودی و آگاهانه - متفاوت است و هر یک مختصات خود را دارا می‌باشد. اعتراضات گوناگون ایران اگر چه در دل خود جلوه‌هایی از آگاهی را با خود حمل می‌نماید، اما فاقد ایده‌های روشن، منسجم و هدفمند و در همان حیطه جنبش‌های خودبه خودی قابل تعریف است. متأسفانه دهه‌هاست که جنبش ایران در چنین مسیر و وضعیتی به سر می‌برد و چند دهه‌ای است که اعتراضات و مبارزات توده‌ها، پراکنده، نامنسجم، بی ارتباط با دیگر طبقات و اقشار انقلابی و بی ارتباط با سازمان‌های کمونیستی - انقلابی و در یک کلام خودبه خودی‌ست.

مازاد بر همه این‌ها و خلاف جمع‌بندی و نظر حمید تقوایی، متأسفانه و متأسفانه باید اذعان نمود که چند دهه‌ایست چپ از نظر، نظری – عملی در درون از جایگاه لازمه و مکفی برخوردار نمی‌باشد. در بستر چنین حقایق تلخ و تأسفباری، حمید تقوایی به جای چاره اندیشی و تلاش به منظور بررسی و کشف علل واقعی آن‌ها در صدد توجیه ناکرده‌های حزبش است و نه تنها جای مضمون انقلاب و جنبش‌های آگاهانه را با اعتراضات اجتماعی و جنبش‌های خودبه‌خودی جابه‌جا می‌کند بلکه آگاهانه هم به تحریف حقایق خودی می‌پردازد و می‌گوید " .. سی سال فعالیت حزب ما، در زمینه سازی این انقلاب کاملاً نقش داشته است".

به جرأت می‌توان گفت که حمید تقوایی و حزبش، پای‌شان را بر روی زمین قرار ندادند و در عالم خودند. کاری به مختصات و کاشی‌های چیده شده روی زمین ندارند و متأسفانه ذهن‌شان از واقعیات موجود و پارامترهای زمینی فرمان نمی‌گیرد. غرق در رؤیاها و آرزوهای خودند و کاری به محیط ندارند و بر این باوراند که دنیای بیرون به گرد آنان است. کدام زمینه سازی و تدارک انقلاب؟! حزبی که در درون حضور ندارد و فاقد هسته یک‌نفره و دو نفره تشکیلاتی‌ست، چگونه می‌تواند تاثیرگذار و زمینه ساز تحركات چند صد هزار نفری باشد؟ به راستی که کدام کمونیست و مارکسیست - لنینیستی تاکنون توانسته است انقلاب را با "ریموت کنترل" به سر منزل مقصود برساند؟ "انقلاب تلویزیونی" بی‌معنا و ناممکن است!! به تجارب دیگر احزاب کمونیستی و کشورهایی که در آن‌ها انقلاب صورت گرفته است نگاهی بیندازید و ببینید که تا چه اندازه با ایده‌های حمید تقوایی هم‌تراز است. مگر می‌توان و می‌شود خارج از مدار مبارزه طبقاتی، طبقه بالا دست را به زیر کشید و حاکمیت کارگران و زحمت‌کشان را در جامعه برقرار نمود؟ هدایت مبارزات توده‌ای به لحظه‌ها بستگی دارد و مستلزم حضور لحظه‌ای نیروی مدافع وی در درون است. سی سال آزار حمید تقوایی نسخه ناصحیح می‌پیچد و سی سال آزار رژیم هم با اندک نیرو، ولی با سازمان نظامی منسجمش طبقات و توده‌های ستم‌دیده را پس می‌زند و در این گیر و دار حمید تقوایی از "پیشرفت" حزبش در جامعه سخن می‌گوید و یکی را در بُعد اجتماعی و در فضای سیاسی عمومی جامعه و دیگری را در حوزه تشکیلاتی تئوریزه می‌نماید. - بگذریم از اینکه از وعده خود در حوزه تشکیلاتی می‌ماند و از در توضیح آن بر نمی‌آید. -

حقیقتاً که بی‌نظمی نظرات و تناقضات حمید تقوایی یکی و دو تا نیست. به روال همه "لیدر"ها و "رهبران" سازمان‌ها و احزاب تبدیل گشته است و آنان همواره بر اساس فضا و جو سالن سخن می‌گویند و تلاش‌شان بر آن نیست تا وفادار به ایده‌ها و نظرات گذشته خودشان باشند. به عنوان نمونه حمید تقوایی پیرامون "انقلاب" ۵۷ و در همین سخنرانی می‌گوید: "... اگر می‌خواهید حکومتی شبیه حکومت موسوی بیاورید و صرفاً خامنه‌ای را بگذارید کنار باید مسلسل بیاورید در خیابان، مردم نمی‌ایستند راه دیگری باقی نمی‌ماند. مگر خمینی این‌کار را نکرد. تازه در انقلاب ۵۷ نه حزبی مثل حزب کمونیست کارگری بود و نه جامعه به این شکل چپ بود".

از نظر حمید تقوایی چون جامعه در سال ۵۷ فاقد حزب کمونیست کارگری بود، توصیف و توضیح چپ به معنای امروزی نمی‌تواند هم صحیح باشد و بی‌همین دلیل هم نبود که چرخه "انقلاب" به راست چرخید و خمینی بر سر کار آمد. یعنی این‌که جامعه زمانی به سمت چپ از نوع حمید تقوایی چرخید که حزب حمید تقوایی متولد شد!! اگر با همه ناباوری‌هایمان سعی نمائیم تا نظر خود را با نظر حمید تقوایی همسو نمائیم، آن‌وقت این جمع‌بندی حمید تقوایی را که در مصاحبه با ناصر اصغری و در انترناسیونال شماره ۲۸۳ تحت عنوان "انقلاب ۵۷ و جنبش‌های اجتماعی" آمده است و در آن تأکید می‌نماید:

"انقلاب ۵۷ نه تنها اسلامی نبود بلکه در مضمون و محتوای خودش یک انقلاب چپ و آزادی خواهانه بود که به وسیله خمینی و اپوزیسیون اسلامی شاه به شکست کشیده شد" را چگونه می توانیم توضیح دهیم؟ چگونه می توانیم به خود بقبولانیم، جامعه ای که فاقد حزب کمونیست کارگری بود، می توانست از مضمون و محتوای چپ برخوردار باشد!! بالاخره تکلیف خواننده در این وسط چه می شود؟ آیا خود وی پاسخ منطقی در این زمینه دارد؟

۱۶ آگوست ۲۰۱۰

۲۵ مرداد [اسد] ۱۳۸۹